

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد / بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم / از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

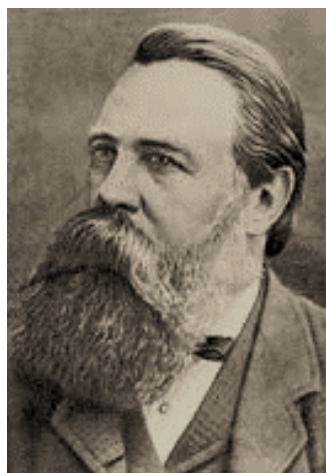
afgazad@gmail.com

Political

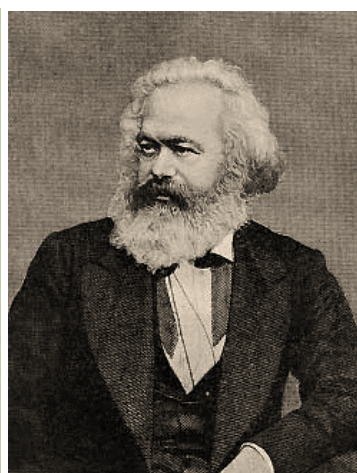
سیاسی

نویسندگان: مارکس-انگلس
برگردان از: حمید محوی
ویراستار پورتال: موسوی
۲۴ جنوری ۲۰۱۹

پرولتاریای جهان متحد شوید!



فردریش انگل



کارل مارکس

گزیده نوشته ها درباره استعمار

۱۵

۲۳- فردریش انگلس : لشکرکشی جدید انگلیس به چین

اوایل اپریل ۱۸۵۷

نیویورک دیلی تریبون شماره ۴۹۹۰

۱۷ اپریل ۱۸۵۷

اگر منازعه ای که انگلیس ها در چین بر پا کرده اند، به منتهی درجه برسد، می توانیم منتظر لشکر کشی نیروی بحری مشابه به سالهای ۱۸۴۱ تا ۱۸۴۲ باشیم که در پی اختلافات مربوط به تجارت تریاک صورت پذیرفت^۱. موفقیتی که انگلیس ها در اعمال زور برای ستادن پول بسیار زیادی از چینی ها نصیبشان شد، به شکلی بود که تکرار

^۱ اشاره به نخستین جنگ تریاک بین سالهای ۱۸۳۹ و ۱۸۴۲ است (به زیر نویس شماره ۳ در مقاله « انقلاب در چین و در اروپا » مراجعه شود.

چنین تجربه ای بی گمان نفرت مردم را علیه تمایلات ما برای جیب بُری افزایش خواهد داد و همانطور که ما می توانیم به یاد بیاوریم، در خاطراتشان روحیه دیر پای دزد بحری را تداعی خواهد کرد که وجه مشخصه اجداد مشترک ما در قرون شانزدهم و هفدهم است. با وجود این، پس از آخرین مداخله چپاول گرانه بریتانیا در رابطه با تجارت تریاک، تحولات چشم گیری در چین به وقوع پیوست، به طوری که برای لشکر کشی مشابه با آنچه در گذشته صورت گرفته جای تردید بسیار باقی خواهد گذاشت و نباید انتظار داشته باشیم که به نتایج مشابهی بینجامد. لشکر کشی جدید بی گمان مثل سال ۱۸۴۲-۱۸۴۱ از جزیره هنگ کنگ شروع خواهد شد. لشکر کشی پیشین ترکیبی بود از ناوگانی با دو ناوشکن که هریک به ۷۴ توپ مسلح بودند، هشت ناوچه و تعداد زیادی «سلوپ»^۲ و «بریک»^۳ های جنگی^۴ و دوازده کشتی بخار و چهل کشتی حمل و نقل که پانزده هزار نفر روی آنها سوار بودند که سربازان نیروی بحری را نیز بخشی از آنها بودند. لشکر کشی جدید نیز نمی تواند کمتر از این باشد. در واقع برخی از شواهدی که به بررسی آنها خواهیم پرداخت، حاکی از این امر است که لشکر کشی جدید باید گسترده تر از گذشته باشد. لشکر کشی سال های ۱۸۴۲-۱۸۴۱، روز ۲۱ اگست ۱۸۴۱ کشتی ها از هنگ-کنگ بادبان گشودند، پیش از همه آموی^۵ را تصرف کردند، سپس روز اول اکتوبر جزیره تسو-شان^۶ را اشغال کردند و آنجا را به مثابه پایگاهی برای عملیات بعدی به کار بردند. هدف آنها نفوذ در آبهای رودخانه بزرگ مرکزی یانگ-تسه-کیانگ^۷ بود، و قصد داشتند تا شهر نانکین در فاصله ۳۲۱ کیلومتری از دهانه آن را ببیمایند. یانگ-تسه-کیانگ چین را به دو بخش کاملاً مشخص شمال و جنوب تقسیم می کند. در فاصله ۶۴ کیلومتری از پائین نانکین، کانال سلطنتی به روی رودخانه باز می شود که در واقع راه بازرگانی بین مناطق جنوبی و شمالی را تشکیل می دهد. طرح حمله عبارت بود از تصرف این راه ارتباطی برای وارد آوردن ضربه ای مهلک به بیجینگ و مجبور ساختن امپراتور به قبول فوری صلح. روز ۱۳ جون ۱۸۴۲ نیروهای انگلیس به فرماندهی سر هانری پتینجر^۸ به ساحل وسونگ^۸ در منطقه ورودی رودخانه کوچکی به همین نام رسیدند. این رودخانه به سمت جنوب جریان دارد و به مصب یانگ-تسه-کیانگ می ریزد، دریای زرد در نزدیکی دهانه آن واقع شده است. دهانه رودخانه وسونگ خلیج شانگهای را تشکیل می دهد که در فاصله کمی در بخش بالائی واقع شده است. سواحل وسونگ انباشته از توپ بود که بی هیچ مشکلی با حمله به آن کاملاً برچیده شد. یک ستون از نیروهای اشغالگر به طرف شانگهای حرکت کرد و بی هیچ تلفاتی به مقصد رسید. ولی با وجود مقاومت ناچیز اهالی صلح جو و کم شهامت سواحل یانگ-تسه، پس از گذشت تقریباً دوپست سال زندگی در صلح دائمی، نخستین جنگ خود را تجربه می کردند. دهانه رودخانه و ناحیه ای که به دریا گشوده می شد، مانع بزرگی بود. دهانه یانگ-تسه خیلی پهن است و نیمی از سواحل آن نیز پوشیده از گل و لای بوده و قابل تشخیص نیست، زیرا دریا در بسیاری از نقاط گل آلود است، به همین علت نیز آن را دریای زرد نامیده اند. برای ورود به یانگ-تسه کشتی ها ناچارند با احتیاط از حاشیه شمالی عبور کنند و برای اجتناب از شنهای روان باید دائماً عمق آب را اندازه بگیرند. این نوارهای شن روان در بخش شمالی دهانه تا

² Sloop یا شلوپ: ناوچه بسیار کوچک انگلیس با ده الی هجده توپ و یک دکل عمودی .

³ Brick بریک. کشتی دو دکله با بادبانهای چهار گوش.

⁴ Amoy

⁵ Tchsou-chan

⁶ Yang-tsé-Kiang

⁷ Sir Henry Pottinger

⁸ Wousoung

منتهی الیه جزیره بزرگ تسونگمین^۹ که در میانه واقع شده است ادامه داشته و دهانه را به دو گذرگاه آب تقسیم می کند. در بخش بالائی جزیره که تقریباً ۴۸ کیلومتر طول دارد، سواحل دیده می شود، ولی مسیر مجرای آب خیلی مارپیچی ست. مدّ آب تا چن-کیانگ^{۱۰} بالا می آید، تا اواسط راه نانکین یعنی در واقع تا نقطه ای که هنوز دهانه را تشکیل می دهد، و از اینجا مسیر بحری آغاز می شود که برای کشتی هائی که از آنجا عبور می کنند به مثابه رودخانه است. ناوگان انگلیس پیش از آن که به این نقطه برسد، با مشکلات جدی روبه رو می شود. بیمودن فاصله ۱۲۸ کیلومتر از تسونگ-شان پانزده روز طول کشید. در نزدیکی های تسونگمین چندین کشتی بزرگ به گل نشست ولی به یاری مد آب موفق شدند خودشان را آزاد کنند. پس از چیرگی بر چنین مشکلاتی، انگلیس ها در نزدیکی های شهر چن-کیانگ با مشکلات متعددی مواجه شدند، و اگر چه سربازان تاتار چینی از هنر جنگ چندان بهره ای نداشتند ولی از شجاعت و بی باکی کم نمی آوردند. تعداد سربازان چینی ۱۵۰۰ نفر بود که نا امیدانه جنگیدند و تا آخرین نفر کشته شدند. چینی ها پیش از آغاز جنگ به نتیجه آن آگاه بودند و به همین علت زنان و کودکانشان را یا در آب غرق کردند و یا با دست خودشان خفه کرده بودند، بعداً تعدادی از اجساد را از قعر چاه بیرون کشیدند. فرمانده چینی ها که از شکست اطمینان حاصل کرده بود، خانه خودش را به آتش کشید و در شعله های آن جان باخت. انگلیس ها ۱۸۵ کشته دادند، و به خاطر چنین تلفاتی انتقام دهشتناکی را تحمیل کردند و تمام شهر را به توبره کشیدند. این جنگ از آغاز تا پایان با خشونت و سبعیتی انجام گرفت که کاملاً با روحیه دزدان بحری سازگار و در واقع سر منشأ آن بود. اگر مهاجمان در همه موارد با چنین مقاومتی روبه رو می شدند هرگز به نانکین نمی رسیدند. ولی چنین اتفاقی روی نداد. شهر کوئه-چه او^{۱۱} که در ساحل آن سوی رودخانه واقع شده بود، تسلیم شد و سه میلیون دالر باج پرداخت که دزدان بحری بریتانیایی به جیب زدند و البته با رضایت کامل.

مسیر رودخانه در جهت بالاتر عمقی معادل ۱۸۰ پا دارد و به همین علت برای کشتی رانی مناسب است ولی در برخی مناطق سرعت جریان آب کمتر از ۹ تا ۱۱ کیلومتر در ساعت نیست. با این وجود هیچ مانعی برای پیشروی ناوگان وجود نداشت. روز ۹ اگست انگلیس ها پای حصارهای نانکین لنگر انداختند. تأثیر چنین واقعه ای همانی بود که انتظارش را داشتند. امپراتور به وحشت افتاده بود و قرارداد ۲۹ اگست^{۱۲} را امضاء کرد، ادعای نقض قرارداد بهانه ای شد برای فراخواست های تازه و تهدیدات تازه و جنگ تازه.

اگر جنگ تازه ای بر پا شود، احتمالاً بر اساس الگوی پیشین به وقوع خواهد پیوست. با وجود این به دلایلی چند این بار انگلیس ها با موانعی روبه رو خواهند شد که پیروزی آسان آنها را در جنگ گذشته به تعویق خواهد انداخت.

تجربه جنگ پیشین از حافظه چینی ها زوده نشده است. در عملیات های نظامی اخیر روی رودخانه کانتون، چینی ها آنچنان مهارتی در کار برد توپخانه از خود نشان دادند که گمان بردند که احتمالاً اروپائیا بین آنها حضور دارند. در تمام امور عملی و خصوصاً امور نظامی، چینی ها از همه شرقی های دیگر جلوتر هستند، و تردیدی وجود ندارد که انگلیس ها شاگردان با استعدادی در بین آنها خواهند یافت. و علاوه بر این احتمالاً اگر انگلیس ها برای دومین بار بخواهند در یانگ-تسه شناور شوند، ممکن است با موانع مهیا شده ای مواجه شوند که در نخستین بار با آنها روبه رو نشده بودند. ولی مهم ترین نکته این است که تصرف مجدد نانکین، نمی تواند همان تأثیر وحشتی را در دربار سلطنتی

⁹ Tsongmin

¹⁰ Tchen-Kiang

¹¹ Kouéi-tchéou

¹² قرارداد نانکین به سال ۱۸۴۲

بیجینگ ایجاد کند که در نخستین لشکر کشی به وقوع پیوست. نانکین، و به همین گونه شماری از مناطق همسایه تحت اختیار شورشیان است و رؤسای آنان شهر را به مرکز فرماندهی عملیاتی خودشان تبدیل کرده اند^{۱۲}. در چنین شرایطی اشغال نانکین موجب خوشحالی امپراتور خواهد شد، و خدمتی ست در حق او برای راندن شورشیان از این شهر. علاوه بر این تصرف نانکین و حفظ آن ممکن است مخاطراتی در بر داشته باشد، و حضور نیروی بیگانه در این شهر هیچ نگرانی فوری برای بیجینگ و حاکمیت امپراتوری به وجود نمی آورد.

۲۴- فردریش انگلس : ایران و چین

لندن ۲۲ می ۱۸۵۷

دیلی تریبون شماره ۵۰۳۲

۵ جون ۱۸۵۷

انگلیس ها به محض این که به جنگی در آسیا خاتمه دادند، جنگ دیگری را به راه انداختند^{۱۳}. مقاومتی که از طرف ایران و چین در رویارویی با هجوم بریتانیایی ها صورت گرفت، تفاوت هائی را نشان می دهد که در اینجا مورد بررسی ما قرار خواهد گرفت.

در ایران ساخت و ساز نظامی اروپا با بربریت آسیائی پیوند خورده بود، در چین، اما تمدنی نیم بند و در حال زوال، و یکی از کهن ترین دولت های جهان بود که با امکانات خودش به استقبال اروپائی ها آمد. ایران شکست آشکاری را به خود دید، در حالی که چین در نا امیدی و در موقعیتی نیمه از هم گسیخته، آنچنان سیستم مقاومتی ایجاد کرد که اگر دوباره به کار برده شود، تکرار پیشروی های پیروزمندانه اولیه جنگ انگلیس علیه چین را امکان ناپذیر خواهد کرد. ایران در موقعیتی مشابه با ترکیه در کوران جنگ با روسیه در سال ۱۸۲۹-۱۸۲۸ بود^{۱۴}. مستشاران نظامی انگلیس، فرانسوی، روسی هر یک سهمی در سازماندهی ارتش ایران داشتند.

سیستم های نظامی یکی جانشین دیگری می شد ولی هر کدام به نوبت خود در مأموریتشان شکست می خورد، زیرا حسادت، دسایس، ناآگاهی، حرص و آز و بزهکاری شرقی هائی که می بایستی به افسران و سربازان اروپائی تبدیل شوند از جمله عواملی بود که پیشرفت امور را دچار اختلال می کرد. ارتش نوین و منظم هرگز در صحنه نبرد واقعی فرصت نیافت تا قدرت ساز و برگ خود را بیازماید. عملیات درخشان آن تنها به چند اردو علیه کُردها، ترکمن ها و افغان ها محدود می شد و به مثابه هسته مرکزی عمل می کرد که پیرامون آن را چند واحد سوار نامنظم ایرانی تشکیل می داد. واحدهای سوار نامنظم در صحنه نبرد واقعی قابلیت عملیاتی زیادی داشتند و تأثیر گذار بودند، در حالی که

^{۱۳} نویسنده به شورش تایپینگ ها اشاره دارد که رهبر آنها هونگ سیو-تسوان خود را امپراتور تایپینگ- وانگ (پادشاه صلح جهانی) فرمانروای سرزمین آسمانی صلح بزرگ می نامد که در سال ۱۸۵۱ بنیانگذاری شد. در مارچ ۱۸۵۳ نانکین را اشغال کرده و آن را به پایتخت خود تبدیل کردند.

^{۱۴} منظور جنگ انگلیس و ایران است که در سال ۱۸۵۶-۱۸۵۷ به وقوع پیوست و دومین جنگ، « جنگ تریاک» به سال ۱۸۵۶-۱۸۵۸ است که به علت منازعات بین نمایندگان بریتانیایی و مقامات چینی در کانتون روی داد. جنگ به شکل منقطع تا جون ۱۸۵۸ ادامه یافت و به معاهده تین-تسین (Tien-tsin) منتهی شد.

^{۱۵} جنگ روس و ترکیه بسال ۱۸۲۸ تا ۱۸۲۹ از جانب نیکلای اول بر پا شد که علت آنهم حمایت از شورشیان مسیحیان یونان علیه سیادت ترکها بود. در آغاز جنگ یگانهای ترک عثمانی که تجهیزات مناسبی داشتند و از مستشاران اروپائی نیز بهره برده بودند مقاومت سختی را در دانوب به ارتش روسیه تحمیل کردند که تجهیزات کافی نداشتند. با وجود این حمله ۱۱ جون (۳۰ می) ۱۸۲۹ ارتش عثمانی را متواری ساخت. ترکیه تمام خواست های روسیه را پذیرفت و معاهده آندرینوپل (Andrinopole) را امضاء کرد.

ارتش منظم غالباً کاری نمی کرد به جز تحمیل تجمعات متشکل نظامی به دشمن، ولی البته فقط در ظاهر خارق العاده به نظر می رسید. تا این که سرانجام جنگ علیه انگلیس شعله ور شد.

انگلیس ها به بوشهر حمله کردند و در آنجا با مقاومتی بی باکانه ولی ناکارآمد مواجه شدند. اما مردانی که در بوشهر می جنگیدند جزء ارتش منظم نبودند: جنبش مقاومت از افراد محلی ایرانی و عرب ساحلی تشکیل شده بود. ارتش منظم در فاصله ۶۰ مایلی (حدود هشتاد و هشت کیلو متری) روی تپه ها در حال تجمع و تمرکز بود و سرانجام حرکت می کند.

ارتش انگلیس و هندی در میان راه با آنها روبه رو می شوند و اگر چه ایرانی ها به شیوه ای که با توپخانه از آنها پذیرائی کردند، موجب تحسین آنان شد و اگر چه مربعی که تشکیل داده بودند، تمام اصول و قواعد نظامی را به دقت تمام به نمایش گذاشته بود، با وجود این، فقط با یک حمله توسط یک رژیمان سواره نظام هند همه ارتش ایران از نگهبان تا قطعات خط در هم کوبیده شد. و برای پی بردن به کیفیت چنین قطعه ای از سواره نظام هندی در ارتش هند، باید به کتاب کاپیتان نولان^{۱۶} مراجعه کنیم.

افسران انگلیس-هندی درباره این قطعه سوار (همین قطعه که فقط در یک حمله ارتش ایران را تارومار کرد) براین عقیده هستند که فاقد مهارت کافی بوده و حتا از واحد سوار نامنظم ارتش انگلیس- و هند نیز کیفیت نازلتری دارد. کاپیتان نولان نیز به سهم خود هیچ عملیاتی را نمی یابد که بتواند اعتبار آن را تأیید کند. با وجود این، ۶۰۰ سوار از همین رژیمان فقط در یک حمله ده هزار از ارتش منظم ایران را تارومار کرد و آنچنان وحشتی در دل ارتش ایران طنین انداخت که از این پس، به استثنای توپخانه، در هیچ جای دیگری مقاومت نکردند. در محمرا خود را از دسترس دور نگهداشته و تنها با توپخانه دفاع کردند و پس از خاموشی توپخانه و زمانی که بریتانیایی ها پیاده شدند، که متشکل از نیروئی تجسسی بود و فقط به ۳۰۰ تفنگدار و ۵۰ سوار نامنظم محدود می شد، ولی همه ارتش ایران عقب نشینی کرد و سلاح ها و بار و بندیشان را - نه برای فاتحین، چرا که چنین نامی برای آنها دیگر مناسب به نظر نمی رسید - بلکه برای مهاجمان بر جا گذاشتند. با وجود این، چنین رویدادهایی نه به ما اجازه می دهد که ایرانی ها را ملتی ترسو بدانیم و نه این که از ترویج تاکتیک های اروپائی نزد شرقی ها صرفنظر کنیم. جنگ های روس و ترک در سال های ۱۸۱۲-۱۸۰۶ و ۱۸۲۹-۱۸۲۹ انباشته از چنین نمونه هائی است^{۱۷}. مهم ترین مقاومت ها در مقابل روس ها توسط قطعات نامنظم در شهرهائی صورت گرفت که دارای استحکامات و در مناطق کوهستانی واقع شده بود. هر بار که قطعات منظم در صحرا دست به عملیات می زدند، توسط روس ها در هم کوبیده می شدند و غالباً با صدای اولین آتش، پا به فرار می گذاشتند. در حالی که تنها یک قطعه نامنظم از آرنوت ها^{۱۸} قادر بود در یک خط در وارنا^{۱۹} هفته های متوالی حملات روس ها را واپس بزند. ولی با وجود این در آخرین جنگ، ارتش منظم ترک در تمام نبردها از اولتنیتسا^{۲۰} و ستاته آ^{۲۱} تا کرس^{۲۲} و اینگور^{۲۳} ارتش روس را شکست داد. واقعیت این است که ترویج سازماندهی نظام

^{۱۶} L.E.Nolan. Its History and Tactics, ۱۸۵۱ اولین چاپ بتاریخ

^{۱۷} جنگ روس و ترک ۱۸۰۶ تا ۱۸۱۲ که فرانسه آن را تشویق می کرد به این دلیل بود که ترکیه قوانینی و معاهداتی را که با حضور فرانسه با روس ها منعقد کرده بود، زیر پا گذاشته است. جنگی که تا مدت ها حالت فرسایشی پیدا کرده بود به نفع روسیه پایان یافت و به معاهده صلح بخارست انجامید.

^{۱۸} arnaute سرباز به زبان ترکی. احتمالاً نوعی سرباز

^{۱۹} Varna شهری است واقع در شرق بلغارستان و یکی از مهمترین بنادر در ساحل بحیره سیاه به حساب می آید. در عهد یونان باستان Odessos نامیده میشده است. در سال ۱۳۳۹ توسط عثمانی ها اشغال می شود و در سال ۱۸۷۸ سيطرة عثمانی ها در این شهر به پایان می رسد.

^{۲۰} Oltenitsa

اروپائی در نزد ملت های بربر هنوز از مرحله تکوین نهائی خود بسیار دور است. تقسیم بندی ارتش نوین، مسلح شدن به ساز و برگ و تمرین به سبک اروپائی، جملگی اموری هستند که در واقع باید آنها را جزء اولین گام ها بدانیم. چرا که رایج ساختن قواعد نظامی اروپائی به تنهایی کافی نیست و نظم و انضباط اروپائی را حاکم نخواهد ساخت، همانطور که انجام دستورالعمل اروپائی به خودی خود تاکتیک و ستراتیژی اروپائی را موجب نمی شود. مهم ترین و در عین حال مشکل ترین مرحله ایجاد گروهی افسر و گروهیان است که طبق سیستم اروپای مدرن آموزش دیده باشند و از پیشداوری های قدیمی و عادات ملّی در مورد ارتش رها شده باشند و بتوانند گروه های جدیدی را متشکل و سازماندهی کنند. تحقق چنین ضرورتی به زمانی طولانی نیازمند است و مطمئناً به علت موانعی مانند ناآگاهی، بی صبری، پیشداوری های شرقی، پیچیدگی های حوادث و توافقات ناگزیری که از جانب دربارهای شرقی همواره به تعویق می افتد. هر سلطان یا پادشاه به محض این که می بیند و احساس می کند که ارتش او بی آن که دچار بی نظمی شود قادر به انجام صف جمع و رژه و موضع گیری ست، دچار این توهم می شود که چنین ارتشی واجد انجام هر گونه عملیاتی خواهد بود. در مورد مدارس نظام نیز به مدّت زمان زیادی نیازمند است تا به بار بنشیند، و میوه های آن کاملاً رسیده و قابل بهره برداری شود. در این مورد نیز به علت بی ثبات بودن دولت های شرقی، نمی توانیم انتظار داشته باشیم که چنین مدارسی تحقق یابند. حتا در ترکیه افسران آموزش دیده و حاضر به خدمت بسیار محدود هستند و ارتش ترکیه در طول جنگ بدون حضور افسران اروپائی و مزدوران خارجی^{۲۴} که در آن به خدمت گرفته بود، نمی توانست از عهده کارزار برآید.

توپخانه در همه جا یگانه سلاحی است که از اهمیت خاصی برخوردار می باشد. در این مورد شرقی ها به قدری بی کفایت و ناآگاه هستند که اجباراً انجام تمام ضروریات را به عهده مستشاران اروپائی واگذار می کنند. نتیجه چنین موقعیتی، در ترکیه و ایران این است که توپخانه از پیاده نظام و سواره نظام پیشی گرفته است.

تحت چنین شرایطی بود که ارتش انگلیس و _ هندی توانست ارتش منظم ایران را درهم بکوبد، یعنی به وسیله یکی از قدیمی ترین ارتش های شرقی که توسط سیستم اروپائی سازمان یافته بود و تنها ارتشی که تحت نظارت یک دولت شرقی نبود و کاملاً تحت نظارت و اداره اروپائی فعالیت می کرد. تقریباً فرماندهی آن کاملاً به عهده افسران اروپائی است و در عین حال از پشتیبانی نیروهای توانمند ذخیره و قطعات بریتانیائی و نیروی بحری قدرتمند برخوردار می باشد.

چنین موضوعی جای تردید باقی نمی گذارد و همین امر برای ایرانی ها درس عبرت خواهد شد. آنها مثل ترک ها خواهند آموخت که یونیفورم اروپائی و رژه رفتن به خودی خود معجزه نمی آفریند. احتمالاً در بیست سال آینده ایرانی ها به توان کارائی ترک ها در پیروزی های اخیرشان، خواهند رسید.

قطعاتی که محمرا و بوشهر را به تصرف درآورده بودند، با توجه به گزارش های رسیده، فوراً به چین گسیل می شوند. در آنجا با دشمن کاملاً متفاوتی روبه رو شدند. هیچ گونه مانوری که مطابق اصول اروپائی سامان یافته باشد در مقابل خود نمی بینند ولی با مقاومت نامنظم توده های مردم آسیائی مواجه می شوند. جای تردید نیست که بی هیچ مشکلی از عهده آنها بر می آیند، ولی چه پیش خواهد آمد اگر چینی ها علیه آنان جنگ ملّی اعلان کنند، و اگر بربریت، بی هیچ

²¹ Cetatea

²² Kars

²³ Ingour

²⁴ Renégat سربازان عثمانی که از دین مسیحیت خارج شده و به اسلام گرویده بودند و در ارتش عثمانی خدمت می کردند.

ابائی گستاخی را تا جایی پیش ببرد که از یگانه سلاحی که کاربرد آن را بخوبی می دانند استفاده کنند ؟ اینبار روحیه چینی ها با آنچه در سال های ۱۸۴۰-۱۸۴۲ از خود نشان دادند کاملاً تفاوت داشت. در آن دوران مردم آرام بودند و منتظر ماندند تا سربازهای امپراتور با مهاجمان بجنگند و پس از شکست نیز بر اساس جبر گرائی شرقی از فاتح اطاعت کردند. ولی اکنون، حداقل در مناطق جنوبی، یعنی منطقه ای که تا پیش از این تنها منازعات محدودی را تجربه کرده بود، توده مردم فعال شد و حتا در اشکال افراطی و متعصبانه علیه بیگانگان مبارزه کرد. چینی ها در هنگ کنگ نان مهاجران استعمارگر اروپائی را، با نقشه قبلی و در کمال خونسردی، به سم آغشته کردند. چند قطعه از این نان ها را برای آزمایش به لیبیگ^{۲۵} فرستادند. نتیجه آزمایش نشان داد که نان به آرسونیک^{۲۶} آغشته بوده و این سم را با خمیر نان مخلوط کرده اند. ولی مقدار سم به اندازه ای بوده که همچون ماده ای تهوع آور عمل کرده و به این ترتیب تأثیرات سمی را خنثی کرده است. سلاح هایشان را پنهان می کردند و روی کشتی های تجارتي مجهز به موتور بخار سوار می شدند و در طول راه خدمه و مسافران اروپائی را قتل عام می کردند و کشتی را تحت اختیار خود می گرفتند. هر خارجی که در دسترسشان قرار می گرفت می ربودند و می کشتند. باربرانی که به خارج مسافرت می کردند هم گام با چنین روش هائی، در حمل و نقل های مهاجران استعمارگر برای تصرف کشتی ها می جنگیدند و بجای تسلیم ترجیح می دادند با کشتی غرق شوند و یا در آتش بسوزند. حتا بیرون از مرز های چین، مهاجران چینی که تا کنون مطیع ترین و ملایم ترین گروه ها بودند، در تبتانی با یکدیگر دست به شورش شبانه می زدند، همانطور که در ساراواک^{۲۷} یا سنگاپور به وقوع پیوست. و فقط با اعمال زور و حفاظت مستمر بود که توانستند جلوی آنان را بگیرند. سیاست دزد بحری از جانب دولت بریتانیا به تحریک انفجارآمیز عموم چینی ها علیه همه خارجی ها انجامید و جنگ را تا حد قتل عام عمومی گسترش داد.

چه کاری از عهده یک ارتش علیه مردمی ساخته است که چنین شیوه هائی را در جنگ به کار می بندند ؟ تا کجا می تواند در کشور دشمن نفوذ کند و چگونه در آنجا دوام بیاورد ؟ فروشندگان تمدن که به روی شهرهای بی دفاع گلوله های آتشین شلیک می کنند و تجاوز را با کشتار صرف می کنند، چنین شیوه هائی را می توانند پست، بربر و فجیع قلمداد کنند، ولی برای چینی ها اهمیتی ندارد به شرط این که بتوانند آنها را با موفقیت به کار ببندند. و از آنجائی که بریتانیائی ها آنان را بربر خطاب می کنند، آنان نیز از به نمایش گذاشتن بربریت خودشان هیچ گونه صرفه جوئی را جایز نمی دانند. اگر آدم ربائی، حملات غافلگیر کننده، کشتار شبانه مواردی هستند که ما آنها را پست و شنیع می خوانیم، فروشندگان تمدن اما نباید فراموش کنند به همان گونه که خودشان نیز معترف هستند، آنان نیز نمی توانند با ابزارهای جنگی و رایج خودشان در برابر امکانات تخریبی اروپائی ها مقاومت کنند.

کوتاه سخن، به جای ملاحظات اخلاقی نسبت به اعمال فجیع چینی ها، آنطور که در روزنامه های شوالیه مسلک منعکس می کنند، باید بدانیم که این یک جنگ ملی و برای حفظ ملت چین است.

و با وجود همه پیشداوری ها و نظریاتی که به ناآگاهی و بربریت آنها اشاره دارد، و با وجود همه مواردی که یادآور می شوند، باید بپذیریم که این جنگ، یک جنگ مردمی ست. و در یک جنگ مردمی ابزارها و شیوه هائی که مردم در قیام ملی به کار می برند، نه قابل اندازه گیری ست و نه می تواند قواعد رایج در جنگ منظم را رعایت کند و نه هیچ

²⁵ Liebig شهر دانشگاهی در المان

²⁶ Arsenic از نظر شیمیائی خیلی نزدیک است به فسفر .

²⁷ Saravak

شاخص دیگری را، ولی فقط می تواند تابعی از میزان تمدن ملت به پا خاسته باشد.

این بار انگلیس ها در موقعیت مشکلی قرار گرفته اند. تا کنون اینطور به نظر می رسید که تعصب ملی چین از مرز مناطق جنوبی فراتر نرفته است و مناطق دیگر به قیام شورشگرانه نپیوسته اند. آیا جنگ به همین منطقه محدود خواهد شد؟ در چنین حالتی مطمئناً به هیچ نتیجه ای نخواهد رسید، هیچ نقطه حیاتی از امپراتوری مورد تهدید قرار نخواهد گرفت. در عین حال چنانچه این جنگ به مناطق مرکزی گسترش یابد، در اینصورت برای انگلیس ها خیلی خطرناک خواهد بود. کانتون ممکن است کاملاً تخریب شود، و همه سواحل اشغال شده، در حالی که کل نیروی که بریتانیا می تواند گردآوری کند برای حفظ دو منطقه کوآنگ تونگ و کوآنگ سی کافی نیست. بیش از این چه کاری از عهده شان برمی آید؟ کشور، در شمال کانتون تا شانگهای و نانکین در دست شورشیان چینی ست، و حمله به آنها سیاست مناسبی نخواهد بود. در شمال نانکین یگانه نقطه ای که می تواند حمله را به نتیجه قطعی برساند، بیجینگ است. ولی کجاست آن ارتشی که بتواند پایگاه عملیاتی و استحکامات را سازماندهی و قطعات ساحلی را تجهیز کند. و با عبور از تمام موانع و ایجاد قطعات ارتباطاتی با سواحل به پای حصارهای شهری به اندازه لندن برسد که در فاصله صد مایلی نقطه حرکت واقع شده است و در عین حال کمابیش ارتش قابل ملاحظه ای نیز باشد؟ از طرف دیگر حتا اگر عملیات نظامی علیه پایتخت با موفقیت انجام گیرد، امپراتوری چین را در بنیادهایش متزلزل خواهد کرد و سقوط سلسله تسینگ^{۲۸} را تسریع می کند. در چنین حالتی راه را نه برای پیشروی انگلیس که برای روس ها هموار خواهد کرد.

جنگ تازه انگلیس و چین پیچیدگی های متعددی دارد که پیشبینی در مورد آینده آن اساساً ناممکن است. تا چند ماه دیگر، کمبود قطعات نظامی و باز هم تا مدت بیشتری تردیدهای بریتانیایی ها، آنان را کاملاً به وضعیت انفعال خواهد کشاند. شاید به استثنای چند نقطه بی اهمیت که در شرایط فعلی کانتون جزئی از آن است.

با وجود این، در یک مورد تردیدی نیست و آنهم این است که آخرین ساعات چین کهن به سرعت نزدیک می شود. جنگ داخلی تا کنون شمال را از جنوب جدا کرده است. پادشاه شورشی در نانکین از چنگ قطعات امپراتوری (مگر از توطئه های طرفداران خودش) همانقدر در امان است که امپراتور روحانی از شورشیان بیجینگ. کانتون تا کنون به نوعی جنگ استقلال علیه انگلیس ها و به طور کلی علیه تمام خارجی ها را ادامه می دهد. در حالی که نیروی بحری بریتانیایی ها و فرانسوی ها در هنگ کنگ متمرکز می شوند، و قزاق های مرز سیبری استانیترها^{۲۹} خود را به آرامی از بلندی های داور^{۳۰} تا ساحل امور^{۳۱} پیش می رانند و توپخانه بحری روس استحکامات شکوهمند بنادر منچوری را محاصره می کنند. با وجود تعصبی که چینی های جنوبی در مبارزاتشان علیه بیگانگان نشان می دهند، با وجود این، خطر فروپاشی چین کهن را احساس کرده اند. کمتر از چند سال ما شاهد فروپاشی کهن ترین امپراتوری جهان خواهیم بود و چنین روزی آغاز دوران جدیدی برای آسیا خواهد بود.

ادامه دارد

نوشته فردریش انگلس ۲۰ مه ۱۸۵۷

منتشر شده در نیویورک دیلی تریبون

شماره ۵۰۳۲ جون ۱۸۵۷

²⁸ Te'ing

²⁹ بزبان اسلاو، Stanitsa به سربازان قزاق دلالت دارد.

³⁰ Daour

³¹ Amour